

ارزشیابی توصیفی لازمه اجرای آموزش فراگیر

مریم زینی وند / کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی / آموزگار استثنایی مدرسه ادب ۲ ناحیه ۴ اصفهان
مسلم رخ فرد / دانشجوی کارشناسی ارشد کودکان استثنایی دانشگاه اصفهان / دبیر هنرستان استثنایی ارمغان ناحیه ۲

چکیده:

طبیعی و انسانی او را بسیار بیشتر از آزمون‌های سنتی نشان دهد، باز خوردی مثبت و تکالیفی رشد دهنده به او ارائه کند و باور داشته باشد که هر دانش آموز قابلیت رشد و پیشرفت مدام را دارد (زینی وند، ۱۳۸۷).

از مزایای ارزشیابی توصیفی می‌توان بیان نقاط ضعف و قوت در یادگیری، ارائه راه حل مناسب در برخورد با مشکلات و احترام به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را برشمرد. در این شیوه ارزشیابی دانش‌آموز با خودش سنجیده می‌شود و مقایسه با دانش‌آموزان دیگر که طبعاً استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوتی دارند صورت نمی‌گیرد (حبیبی، ۱۳۸۷).

بنابراین از بین شیوه‌های ارزشیابی موجود، تنها ارزشیابی توصیفی است که نه تنها مغایرتی با آموزش و پرورش فراگیر ندارد، بلکه می‌تواند در حین این روش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تکمیل کننده آن نیز باشد. این مقاله به ارزشیابی توصیفی و آموزش و پرورش فراگیر می‌پردازد.

مقدمه

با توجه به اینکه هر کودک، باید به حقوق خود در امر آموزش و پرورش مطابق حداکثر توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود برسد کودکان دارای نیازهای ویژه نیز باید به حداکثر توانایی و ظرفیت خود دست یابند. این توانایی‌ها می‌توانند در مدارس عادی در کنار دانش‌آموزان عادی بدست آید (فرایزر^۲، ۱۹۹۳).

کودکان بسیاری بر اثر نقص‌های حرکتی، شنوایی، بینایی و ذهنی، با ناتوانی‌هایی مواجه هستند که همیشه با آنها باقی خواهد ماند. بدون هیچ تردیدی روشن است که خدمات آموزشی و توان‌بخشی موجود برای برطرف کردن نیازهای این افراد، کافی نیست، و این افراد از فرصت‌های کافی برای پیوستن به زندگی اجتماعی و اشتغال به کار، محروم هستند. ایجاد نگرش مثبت نسبت به افراد دارای ناتوانی، فراهم نمودن فرصت‌های برابر و یکسان برای آنها، شناخت نیازهای مختلف افراد و ارزش‌گذاری به آنها و بالا بردن آگاهی افراد جامعه، شیوه‌های مبارزه با این محرومیت موجود هستند.

در چنین وضعیتی، آموزش و پرورش فراگیر مطرح می‌گردد. اصول نظام‌های آموزشی و توان‌بخشی مذکور بر این اصل انسان‌گرایانه استوار است که انسان باید به عنوان موجودی یکپارچه و سازمان یافته شناخته شود و همه کودکان حتی کودکان دارای ناتوانی، باید از آموزش برای ارتقای کیفیت زندگی برخوردار گردند و در این راستا بر این عقیده پافشاری می‌نمایند که باید همه موانع را از پیش روی برداشت و با فراهم کردن امکانات و تسهیلات، شرایط را برای آموزش فراهم کرد (فرهد، ۱۳۸۲).

حال با توجه به اهمیت و ضرورت آموزش فراگیر^۱، ارزشیابی مطالب آموخته شده نیز اهمیت بسیاری به خود می‌گیرد. ما نیازمند آن نوع سنجش و ارزشیابی هستیم که به هر دانش‌آموز به دیده‌ی احترام نگاه کند، موهبت‌های

درباره‌ی وضعیت فرد داوری کرده، ضعف‌ها و قوت‌های دانش‌آموز را مشخص کند و برای بهبود فعالیت‌های یادگیری و حفظ بهداشت روانی او توصیه‌هایی ارائه دهد (زینی وند، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه

هر کودک، باید به مقوق فود در امر آموزش و پرورش مطابق مداخلت توانایی‌ها و ظرفیت‌های فود برسد کودکان دارای نیازهای ویژه نیز باید به مداخلت توانایی و ظرفیت فود دست یابند. این توانایی‌ها می‌توانند در مدارس عادی در کنار دانش آموزان عادی بدست آید

طرح ارزشیابی توصیفی مشهور به ارزشیابی کیفی یا طرح حذف نمره، تجربه‌ی نوینی در آموزش و پرورش است. از ویژگی‌های ارزشیابی توصیفی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توجه به ویژگی‌های اجتماعی عاطفی سطوح مختلف یادگیری، کاهش اضطراب و رقابت در بین دانش‌آموزان، افزایش علاقه به یادگیری و یاددهی. در دانش‌آموزان و معلمان، تقویت اصل مشارکت، همفکری و فعالیت در کار گروهی و تقویت روابط اجتماعی و توجه به روش‌های خودسنجی و همسال سنجی است که همه‌ی این موارد روی هم رفته در بهداشت روانی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد و با جلوگیری از فشارها و رقابت‌های زیان‌آور در کلاس و مدرسه، محیط یادگیری را برای یادگیری هرچه مطلوب دانش‌آموزان آماده‌تر می‌سازد (حسنی، ۱۳۸۵).

ارزشیابی توصیفی که از اجزای آموزش فراگیر است برای کاربرد بهتر و توسعه آموزش و پرورش فراگیر لازم و ضروری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

آموزش و پرورش فراگیر

«حق ذاتی افراد معلول^۷ این است تا به کرامت انسانی آنها احترام گذارده شود. افراد معلول باید صرف نظر از نژاد، ماهیت و شدت معلولیت^۸ و ناتوانی‌شان، از حقوق

بدیهی است اگر توسعه‌ی همه‌جانبه «آموختن برای بهتر زیستن» و رشد همه‌جانبه‌ی کلیه شهروندان جامعه مورد نظر باشد. باید به اصلاحات اساسی و زیربنایی در نظام آموزشی و توان‌بخشی دست یازید و نظامی را سر و سامان داد که تمامی افراد دارای نیازهای ویژه از حمایت‌های فراگیر و همه‌جانبه در گستره‌ی حیات خود به طور هماهنگ توسط سازمان‌های گوناگون بهره‌مند شوند. نهضت بهنجارسازی^۳، یکپارچه‌سازی^۴، آموزش فراگیر و توان‌بخشی مبتنی بر جامعه راهبردهای جدیدی هستند که به منظور برابر سازی فرصت‌ها برای کلیه افراد دارای نیازهای ویژه در ابعاد گوناگون اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شده است (به پژوه، ۱۳۸۰).

آموزش و پرورش فراگیر با اصل قرار دادن نیازها، تفاوت‌ها و ایجاد خودپنداره‌ی مثبت در افراد دارای ناتوانی، بدون در نظر گرفتن ناتوانی‌ها، احساس لذت بردن و اعتماد به نفس را ایجاد کرده و سبب بهبود بهداشت روانی آنان خواهد شد تا افراد دارای ناتوانی، حداکثر موفقیت در حد توان خود را کسب نمایند (اسکودر و پایا^۵، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که سلامت روانی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه دارد و دانش‌آموزانی که به نحوی از مشکلات روانی یا از فقدان بهداشت روانی مناسب رنج می‌برند اغلب با افت تحصیلی مواجه هستند (برادبای^۶، ۲۰۰۷).

حال با توجه به اهمیت بهداشت روانی، ارزشیابی مطالب آموخته شده نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌گردد. ارزشیابی تحصیلی فعالیتی است که معلم، در جریان تدریس خود انجام می‌دهد. این فعالیت شامل جمع‌آوری اطلاعات و داوری درباره‌ی وضعیت یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز است (محمدیان، ۱۳۸۵).

سنجش و ارزشیابی معتبر دانش‌آموز را برمی‌انگیزد تا بیاموزد که چگونه یاد بگیرد معلم باید با استفاده از نتایج حاصل از سنجش و ملاحظه‌ی اهداف و انتظارات آموزشی

فراگیر مطرح گردید (فرهید، ۱۳۸۲).

آموزش فراگیر به معنی آن است تمام دانش آموزان، بدون توجه به سطح و نوع ناتوانی باید در کلاس‌های آموزش همگانی با همسالانشان آموزش ببینند (ابراهیمی، ۱۳۸۵). این اصطلاح اشاره دارد به مدارس، مراکز یادگیری و نظام-های آموزشی و پرورشی که آغوش خود را به سوی تمامی کودکان می‌گشایند (مک کانکی و همکاران، به نقل از ساعی‌منش، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر آموزش فراگیر شامل تمام اعمالی می‌شود که در نهایت به آموزشی خوب و مؤثر که ایجاد شرایطی است که همه کودکان در آن به یادگیری می‌پردازند منجر می‌شود (گروه رنسانس، ترجمه علیزاده، ۱۳۸۲).

ویژگی‌های کلاس فراگیر:

- ۱- دانش آموز محور است.
- ۲- یادگیری اغلب در گروه‌های کوچک همسالان که به یکدیگر کمک کرده و از یکدیگر حمایت می‌کنند، انجام می‌شود.
- ۳- فرصت‌هایی فراهم می‌کند تا کودکان خود را جای یکدیگر قرار دهند.
- ۴- فرصت‌هایی فراهم می‌کند تا کودکان تفاوت‌های جامعه را در مقیاس کوچکتر تجربه کنند.
- ۵- مواد و محتوای برنامه درسی و نیز روش‌ها انعطاف‌پذیر بوده و با نیازهای کودکان سازگار می‌شوند.

مزایای آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه:

- ۱- رشد احساس عضوی از اجتماع بودن.
- ۲- تأکید بر فردیت.
- ۳- وجود الگوهای مناسب که به آنها اجازه می‌دهد مهارت‌های انطباقی تازه‌ای بیاموزند و یا یاد بگیرند چه هنگام و چگونه با سرمشق قرار دادن مهارت‌های موجود از آن استفاده کنند.

اساسی مشابهی برخوردار باشند». این مطلب، بخشی از بیانیه جهانی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ در خصوص افراد معلول است که پس از آن مفهوم برابری فرصت‌ها بیشتر گسترش یافت. اصل حقوق برابر برای افراد معلول و غیرمعلول دلالت بر این دارد که نیازهای هر فرد از اهمیت برابری برخوردار است. بدین ترتیب باید روشی را بکار گرفت که برای هر فرد فرصت مشارکت را فراهم سازد. این موضوع همچنین بیانگر آن است که اصل فوق باید در تمام جوامع و فرهنگ‌ها بکار برده شود. بدیهی است که باید موانع موجود که مانع بهره‌مندی معلولان از حقوق شهروندی می‌شود و مشارکت آن‌ها را در زندگی اجتماعی محدود می‌کند برداشته شوند.

قابل دسترس ساختن آموزش باید برای همه، گامی مؤثر در جهت برابری باشد. در برنامه‌ی اقدام جهانی، خاطر نشان شده است که معلولیت حاصل اختلال در رابطه بین افراد معلول و محیط زندگی است و هنگامی روی می‌دهد که موانع فرهنگی، فیزیکی و اجتماعی، باعث عدم دسترسی معلولان به نظامها و نظام مختلف اجتماعی شود که برای سایر شهروندان فراهم است. براین اساس، معلولیت به معنی فقدان یا محدودیت فرصتها در راه مشارکت در زندگی اجتماعی، در سطحی همانند با دیگران است و از این رو در بحث برابری فرصت‌ها به این نکته توجه می‌شود که نظام کلی جامعه برای تمام افراد قابل دسترسی باشد، از جمله محیط فیزیکی و فرهنگی، آموزشی، خدمات اجتماعی، فرصت‌های شغلی و....

در چند دهه اخیر، آموزش^۹ و توان‌بخشی^{۱۰}، دستخوش تحولات و نگرش‌های گسترده‌ای شده است. به طوری که از ارائه‌ی یک سری آموزش‌ها و اقدامات توان‌بخشی و دستیابی به نهایت توانایی فرد معلول فراتر رفته و یک زندگی اجتماعی و یکپارچگی فرد معلول با جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. بعد از چندین دهه توان‌بخشی در مؤسسات، کاملاً مشخص شده است که کار آنان در زمینه کیفیت و کارآیی مثبت نبوده و بنابراین طرح آموزش

مشخص کند و برای بهبود فعالیت‌های یادگیری و حفظ بهداشت روانی او توصیه‌هایی ارائه دهد (محمدیان، ۱۳۸۵).

ارزشیابی سنتی: دانش‌آموز را در جهت ارائه پاسخ‌های «درست» و از پیش تعیین شده به کار وامی دارد. در این فرایند به رابطه‌ی سنجش و یادگیری توجهی نمی‌شود، آزمون‌های سنتی باعث ایجاد فاصله بین آموخته‌ها و واقعیت‌های زندگی دانش‌آموز می‌شود، در حالی که زندگی روزمره او ساختار بسیار پیچیده و مبهمی دارد، آزمون‌های سنتی به مجموعه‌های تصنعی، غیرمستقیم و سؤالات روشن «رفتاری» روی می‌آورند که به سهولت قابل اندازه‌گیری‌اند. آزمون‌های سنتی به دلیل ساختار خود، به خواست و نیاز افرادی غیر از آزمون شونده پاسخ می‌دهند و اغلب به رتبه‌بندی کردن دانش‌آموز می‌انديشند. روش آنها بر نقاط ضعف آزمون شونده تأکید دارد و نسبت به پیشرفت دانش‌آموز حساس نیستند.

ارزشیابی توصیفی: آنچه که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین تغییر دنیای امروز در عرصه آموزش و پرورش یاد کرد تفاوتی است که در نوع نگرش جهان به ارزشیابی تحصیلی رخ داده است. تغییری که در آن، حافظه مداری و حفظ کردن صرف مطالب درسی از سوی دانش‌آموزان، رنگ می‌بازد و جای خود را به سنجش مستمر و گام به گام می‌دهد.



در روش ارزشیابی توصیفی، برخلاف گذشته، معلم در کنار دانش‌آموز است نه در مقابل او، چرا که این ارتباط باعث از بین رفتن اضطراب‌های ناشی از برگزاری آزمون و

۴- افزایش فرصت‌های تعامل با همسالان عادی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی تازه.

۵- رشد بیشتر اصول اخلاقی و کاهش میزان رفتارهای نامناسب.

۶- ایجاد تجربیات واقعی زندگی که کودکان را برای زندگی در جامعه آماده می‌کند.

۷- ایجاد فرصتهایی برای رشد دوستی با همسالان عادی.

۸- افزایش عزت نفس (ابراهیمی، ۱۳۸۵).

ارزشیابی^{۱۱}

هر کاری که قضاوتی به همراه داشته باشد ارزشیابی است. بعضی از مواقع سنجش و ارزشیابی معادل به کار می‌روند، اما به واقع هم معنا نیستند. سنجش، اندازه‌گیری عملکرد است و مشتمل بر قضاوت نیست و این نقش بر عهده‌ی ارزشیابی است.

ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از عناصر مهم و اساس برنامه‌های درسی و نظام‌های آموزشی و پرورشی محسوب می‌شود. صاحب‌نظران آموزشی، سنجش و ارزیابی را به عنوان عنصری بنیادی برای اصلاح مدارس، بهبود آموزش معلمان و یادگیری دانش‌آموزان در نظر می‌گیرند (سیفی مقدم، ۱۳۸۷).

در واقع امتحان نوعی ارزشیابی است که طبق اصول معینی انجام می‌شود و وسیله‌ای برای توصیف تغییر رفتار دانش‌آموز در جهت اهداف آموزش و پرورش و کمک به بهبود یادگیری است. انواع ارزشیابی عبارتند از:

۱- ارزشیابی سنتی

۲- ارزشیابی توصیفی (زینی وند، ۱۳۸۷).

ارزشیابی تحصیلی فعالیتی است که معلم، در جریان تدریس خود انجام می‌دهد. این فعالیت شامل جمع‌آوری اطلاعات و داوری درباره‌ی وضعیت یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز است. معلم باید با استفاده از نتایج حاصل از سنجش و ملاحظه‌ی اهداف و انتظارات آموزشی درباره‌ی وضعیت فرد داوری کرده، ضعف‌ها و قوت‌های دانش‌آموز را

تنهایی برای تلفیق کودکان با یکدیگر و نیز آموزش تمام کودکان دارای نیازهای ویژه مناسب و مؤثر باشد. بنابراین در نتیجه حرکت به سوی فراگیرسازی، هم روش های عملی و هم پایه های تئوریک آموزش نیاز به تغییر دارد. حداقل تغییرات شامل تغییر شکل بندی و محتوای درس، زمان دهی مجدد طبقه بندی دانش آموزان، لزوم در اولویت قرار گرفتن توجه به تفاوت های فردی هم در برنامه ریزی آموزشی و هم در ارزشیابی است که هر یک از این تغییرات مستلزم حرفه ای گری و انعطاف پذیری معلمان مدارس عادی است (گروه رنسانس^۱، ۱۹۹۹).

هنگامی که ارزشیابی تحصیلی از حالت سنتی یا کمی خارج گردد دیگر تفاوت محسوسی بین دانش آموزان دارای نیازهای ویژه و همسالان عادی شان نمایان نمی گردد زیرا ملاک ارزشیابی دیگر تنها گرفتن نمره در امتحانات نیست که بر دانش آموزان برچسب های مختلف زده شود و فرصت های تقریباً نامحدودی برای دانش آموزان از هر سن (شاید از هر دو جنس) فراهم می کند تا افراد استعداد های خود را در زمینه های مختلف آزموده و به موفقیت های فردی و اجتماعی دست یابند. این فرصت ها می تواند "ورزشی، تحصیلی، علمی، هنری، فنی و..." باشند (فوستر^{۱۴}، ۲۰۰۷).

با توجه به مطالب ذکر شده، نقاط مشترکی بین اهداف آموزش فراگیر و ارزشیابی توصیفی وجود دارد از جمله:

- ۱- امید بخشی به دانش آموزان
- ۲- بیان نقاط قوت و ضعف دانش آموزان و ارائه ی راه حل به آنها
- ۳- افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی - یادگیری
- ۴- بهبود کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری
- ۵- احترام به تفاوت های فردی دانش آموزان
- ۶- ایجاد فضای مناسب برای بروز خلاقیت در دانش آموزان
- ۷- کسب اعتماد به نفس و حذف احساس خود کم بینی در دانش آموزان
- ۸- افزایش انگیزه و رغبت در دانش آموزان

بهبود روابط معلم و دانش آموز و صمیمیت میان آنها می شود. هدف اساسی ارزشیابی توصیفی یا کیفی، بهبود کیفیت یادگیری و ارتقای سطح بهداشت روانی محیط یاددهی - یادگیری است (خادم، ۱۳۸۴).

این طرح با عنایت به اصولی شکل گرفته است که ناشی از مبانی فلسفی و روانشناختی اهداف طرح و آسیب شناسی وضع موجود است. اصول ارزشیابی توصیفی به شرح زیر است:

- ۱- توجه همه جانبه به ابعاد مختلف شخصیت دانش آموزان: (چند جنبه گرایی)،
- ۲- توجه به فرایند رشد و پیشرفت دانش آموزان: (فرایندگرایی و استمرار)،
- ۳- توجه به باز خورد توصیفی سازنده: (بازخوردگرایی، توصیف گرایی)،
- ۴- توجه به تنوع روش های جمع آوری اطلاعات: (کثرت گرایی)،

انواع ابزارهای اندازه گیری و جمع آوری اطلاعات در ارزشیابی توصیفی:

- ۱- کار پوشه
 - ۲- طرح مطالعه و بررسی^{۱۲}
 - ۳- آزمون های عملکردی
- الف) آزمون های مختلف از جمله مداد کاغذی
- ب) تکالیف درسی
- برای انجام ارزشیابی توصیفی اصیل و همه جانبه چهار ابزار اندازه گیری در حال حاضر پیشنهاد شده است:
- ۱) کارنامه ارزشیابی توصیفی
 - ۲) بازبینی ها^{۱۳}
 - ۳) برگ ثبت گزارش
 - ۴) کارپوشه (شفیعی، ۱۳۸۷).

آموزش و پرورش فراگیر و ارزشیابی توصیفی
می دانیم که هیچ روش سحرآمیزی وجود ندارد که به

می‌گذراند و اطلاعات اجتماعی دست می‌آورد که آنها را در سازگاری با جامعه‌ی بزرگتر یاری می‌دهد (گریس، ۱۹۹۲).

از آنجا که بدون انجام ارزشیابی، فرایند یاددهی یادگیری در آموزش و پرورش تکمیل نمی‌شود اجرای درست ارزشیابی را می‌توان یک کار هنرمندانه از سوی معلم دانست. از این رو لازم است معلمان در اجرای آن مهارت‌های لازم را کسب نمایند تا بتوانند میزان درک و فهم، حس قضاوت و تفکر انتقادی یادگیرندگان را برانگیزند (حبیبی، ۱۳۸۷).

همانطور که بزرگان آموزش و پرورش نیز گفته‌اند هدف اصلی ارزشیابی نخست آگاهی معلمان از نقاط ضعف و قدرت خود در تدریس و دوم شناخت ضعف و قوت شاگردان و ارزش‌گذاری بر آموخته‌های فراگیران است. هم آموزش فراگیر و هم ارزشیابی توصیفی در کنارهم باعث رشد احساس قدرت، بهبود کیفیت فرایند یاددهی یادگیری، افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی - یادگیری و... در دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه می‌شوند، مهارت‌های گروهی به آنها آموزش داده می‌شود و به همین دلیل درک و تحمل بیشتری نسبت به تفاوت‌ها پیدا می‌کنند، عملکرد اجتماعی‌شان بهبود پیدا می‌کند و در نهایت فرصتی برای آنها فراهم می‌شود تا نوع کوچکتری از جامعه‌ی آینده را تجربه نمایند.

پیشنهاد‌های اجرایی

- ۱- جلسات مشترک متخصصان سنجش و اندازه‌گیری و کارشناسان آموزش فراگیر با معلمان به منظور ارتقای سطح علمی معلمان با راهکارهای سنجش و اندازه‌گیری در آموزش و پرورش فراگیر،
- ۲- برگزاری جلسات گروهی برای خانواده‌ها برای آشنایی هر چه بیشتر با طرح آموزش فراگیر و ارزشیابی توصیفی،
- ۳- کاهش تعداد دانش‌آموزان و ایجاد فرصت برای معلمان جهت اجرای فعالیت‌ها.

۹- ایجاد فرصت‌هایی برای رشد دوستی با همسالان (عادی و استثنایی)

۱۰- افزایش عزت نفس
 هنگامی که دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه با همسالان عادی خود در یک کلاس جای می‌گیرند، دانش‌آموزان و والدین هر دو گروه شناخت و اطلاعات بسیاری در مورد هم پیدا کرده و نقاط مشترکی را بین خود بدست می‌آورند و خود را با آنها وفق می‌دهند آنجاست که دانش‌آموزان عادی پی به استعداد‌های همسالان استثنایی خود می‌برند و دیگر نقص‌های آنها را مد نظر قرار نمی‌دهند و بیشتر جنبه‌های مثبت آنها را در نظر می‌گیرند و دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه دیگر احساس خود کم بینی نخواهند کرد. زیرا در کلاس درس تنها از یک روش درسی و ارزشیابی استفاده نخواهد شد و آنها در می‌یابند که از راه‌های مختلفی می‌توانند با هم‌تایان عادی شان رقابت داشته باشند که این به نوبه خود موجب افزایش عزت نفس آنها خواهد گردید. آنها دیگر تنها در کلاس درس کنار ننشسته و سعی خواهند کرد در گروه‌های کوچک فعالیت لازم را داشته باشند که این خود در ارزشیابی آنها تأثیر خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

در مدرسه است که راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران، کیفیت همکاری و رقابت با دیگران یاد داده می‌شود. بدون آموزش مناسب و فراگیر، توسعه ایجاد نشده و یا بسیار ناپایدار خواهد بود.

تنها آموزش مناسب است که می‌تواند ایجاد دنیایی امن و سالم را تضمین نموده و در کنار پیشرفت‌های عظیم علمی، صنعتی و اجتماعی جهت دستیابی به توسعه‌ی پایدار جهانی مدارا و همکاری‌های بین‌المللی را تشویق نماید. از این رو در نظر آموزش و پرورش جدید، مدرسه مرکز اجتماعی مهمی است که کودکان و نوجوانان دارای نیازهای ویژه ساعت‌های طولانی از زندگی خود را در آن

پیشنهادهای پژوهشی

- ۱- بررسی الگوی ترکیبی (ارزشیابی توصیفی و آموزش فراگیر) در رابطه با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه،
- ۲- برگزاری همایش‌هایی به منظور بستر سازی فرهنگی و نهادینه کردن ارزشیابی توصیفی و آموزش و پرورش فراگیر،
- ۳- پژوهش درباره شیوهی برخورد با دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در مدارس فراگیر در کشورهایی که در آنها ابتدا ارزشیابی کمی بوده و اکنون وارد ارزشیابی توصیفی شده‌اند .

زیر نویس ها :

1. Inclusive education
2. Fryers
3. Normalization
4. Integration
5. Scudder& Papa
6. Brodby
7. Handicapped
8. Handicap Person
9. Education
10. Rihabilitation
11. Evaluation
12. Project
13. Check lists
14. Foster

منابع :

- ابراهیمی، امیر عباس (۱۳۸۵). آموزش فراگیر: ویژگی‌ها و مزیت‌ها. ماهنامه ی تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۵۸، صص ۹۰-۸۷.
- به پژوه، احمد (۱۳۸۰). حقوق کودک استثنائی و موانع یکپارچه‌سازی و برابر سازی فرصت‌ها در ایران. (بانک اطلاعات و توان‌بخشی ایران).
- حبیبی، فرزانه (۱۳۸۷). بررسی موانع و چالش‌های پیش روی به کارگیری ارزشیابی توصیفی. (گزیده مقالات همایش اردیبهشت ۱۳۸۷ خرم آباد، سازمان آموزش و پرورش لرستان). خرم آباد: شاپور خواست.
- حسینی، محمد (۱۳۸۵). راهنمای اجرای ارزشیابی توصیفی پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی.
- حسینی، محمد (۱۳۸۵). ارزشیابی توصیفی پاسخی به کاستی‌های نظام ارزشیابی تحصیلی موجود.
- زینی وند، مریم (۱۳۸۷). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر دانش‌آموزان در ابعاد بهداشت روانی (گزیده ی مقالات همایش اردیبهشت ۱۳۸۷ خرم آباد، سازمان آموزش و پرورش لرستان). خرم آباد .
- زینی وند، مریم (۱۳۸۷). مقایسه و اثربخشی روش‌های چند حسی فرنالد و اورتون بر عملکرد خواندن دانش‌آموزان نارساخوان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی کودکان استثنایی دانشگاه اصفهان.
- سیفی مقدم، پری (۱۳۸۷). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی (گزیده ی مقالات همایش اردیبهشت ۱۳۸۷ خرم آباد، سازمان آموزش و پرورش لرستان). خرم آباد: شاپور خواست.
- شفیعی، سوسن (۱۳۸۷). ویژگی‌های ابزارهای اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات در ارزشیابی توصیفی (گزیده ی مقالات همایش اردیبهشت ۱۳۸۷ خرم آباد، سازمان آموزش و پرورش لرستان). خرم آباد: شاپور خواست.

- گروه رنسانس (۱۳۸۲). فلسفه‌ی باید ها و نیایدهای آموزش فرگیر. ترجمه، حمید علیزاده. ماهنامه‌ی تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۳۰. فرهد، مژگان (۱۳۸۲). توان‌بخشی مبتنی بر جامعه و آموزش و پرورش فراگیر. فصلنامه‌ی پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال سوم. شماره ۲ صص ۱۶۰-۱۴۳.
- مک کانکی، روی و همکاران (۱۳۸۳). درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس درس. ترجمه‌ی ابوالفضل سعیدی و همکاران، (۱۳۸۳). تهران سازمان آموزش و پرورش استثنایی.

منابع:

- Brodby, H. (2007). *British Asian Families and the use of child and adolescent mental health*. Available at: www.sciencedirect.com.
- Chris, K. (1992). *Preparing For Inclusion*. International Conference.
- Elain, E. Duack. (1999). UNI. Master thesis.
- Foster, E. M. (2007). *Can system intergration improve mental health outcomes for children*. Available at : www.sciencedirect.com.
- Fryers, T. (1993). *Epidemiological thinking in mental retardation: issues in taxonomy and population frequency*. In Bray, N. W. International Review of Publications.
- Scudder, L. & Papa, P. (2007). *School-Based health centers*. Available at : www.sciencedirect.com.